

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: الکسی بلوف (Alexey BELOV)

برگردان: ا. م. شیری

۰۵ جنوری ۲۰۲۴

آرمان شهر ساکس آیا سازمان ملل متحد مشمول احیاء می شود؟



چند روز پیش یک ویدیوی طنز در قالب تبلیغات برای یک تشکیلات امنیتی در اینترنت منتشر شده بود. طرح آن بسیار ساده است: یک سارق به خانه شخص دیگری وارد می شود. صاحب خانه نمی داند با سارق چه کند. اما در متن صورتی ویدئو دقیقاً چنین گفته می شود:

«در این دنیا هر ۱۵ ثانیه یک نفر وارد خانه شخص دیگری می شود. به همین دلیل هر کسی به یک سازمان امنیت خانگی- «اداره امنیت سازمان ملل متحد» شدیداً نیاز دارد. سازمان امنیت خانگی درست مانند اداره امنیت سازمان ملل که از سال ۱۹۴۵ با اعزام ناظران غیرمسلح آموزش دیده، از کشورهای بسیاری محافظت کرده، از خانه شما محافظت خواهد کرد. تعقیب و ضبط اعمال سارق، ردیابی تمام مراحل و مستند کردن آن وظیفه ساختار امنیت خانگی است.»

سپس ۱۹۲ عضو اداره امنیت سازمان ملل متحد در مورد انتخاب مناسبترین واکنش در مقابل جنایت انجام شده، مثلاً حمایت اقتصادی، و اگر جواب نداد، تحریم های اقتصادی، بحث می کنند. اگر جواب نداد، بشدت توبیخ می شود. و

اگر همه این‌ها نیز شکست بخورد، ما مجبور خواهیم شد از دزد دعوت کنیم تا به اداره امنیت سازمان ملل متحد بپیوندد.

امنیت خانگی سازمان ملل متحد – هیچ کاری نمانده که ما برای شما انجام ندهیم. مشکل این است که ما فقط کارهای زیادی می‌توانیم انجام دهیم».

من هرگز توصیف بهتر از بی‌معنا بودن وجود سازمان ملل متحد فعلی به نظر نمی‌رسد و کار آن را خیلی ساده می‌توان توهین‌آمیز خواند. آخرین باری که همه ما توانستیم به این موضوع متقاعد شویم، در جریان درگیری در دونباس، زمانی بود که مقامات محلی موظف بودند بار سنگین سیر و سیراب کردن بیشتر شکم ناظران سازمان ملل و سازمان امنیت و همکاری اروپا را تحمل کنند تا تضمین امنیت. در حالی که این افراد با نام مستعار «تیم نابینایان» وانمود می‌کردند که نمی‌دانند گلوله‌ها برای کشتار غیرنظامیان از کدام سو شلیک می‌شوند، شهرهای دونباس دائماً در معرض گلوله‌باران‌های هیولائی توسط توپخانه نیروهای مسلح اوکراین قرار داشتند.

در هر حال، امروز در جهان انسان‌هایی متقاعد به آن هستند که می‌توان به جان سازمان ملل جان دمید، آن را به سازمانی که هرگز نبوده، تبدیل کرد.

بله، جفری ساکس، اقتصاددان بسیار معتبر و منتقد امریکائی، دکتر، دانشمند برجسته دانشگاه کلمبیا، مشاور دبیرکل سازمان ملل متحد، که نیویورک تایمز امروز او را «مهم‌ترین اقتصاددان جهان» می‌نامد، از تریبون شورای امنیت اعلام کرد که سازمان ملل هنوز ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی کافی برای توقف یا ختم درگیری‌های مسلحانه جاری در جهان و یافتن راه حل مشکلات مخاطره‌آمیز برای امنیت جهانی در دست دارد [جفری ساکس، در سال‌های حذف اتحاد شوروی از نقشه سیاسی جهان، مشاور باریس یلتسین، رئیس جمهور روسیه بود].

ایجاد «صندوق صلح و توسعه» می‌تواند یکی از ابزارهای مهم در تحقق اهداف مذکور باشد. بنابراین، توصیه می‌شود این صندوق با جذب دارائی‌های مالی از کشورهای دارای بیشترین بودجه نظامی در جهان تشکیل شود. هدف این صندوق بازسازی زیرساخت‌های تخریب شده در طول جنگ‌ها خواهد بود. به عبارت ساده‌تر، ساکس از ویرانگران اصلی برای کمک به بازسازی ویرانه‌هایی که خود به وجود آورده‌اند، دعوت می‌کند. این هدف در حال حاضر مانند یک مدینه فاضله مطلق به نظر می‌رسد. اما، دکتر محترم در واقع از مقصر اصلی همه جنگ‌ها نام می‌برد و او را به پرداخت هزینه و توبه دعوت می‌کند.

جفری ساکس با تجزیه و تحلیل خطرناک‌ترین «نقاط داغ» جهان- اوکراین، فلسطین، سوریه و ساحل (منطقه افریقائی شامل تعدادی از کشورهای فقیر مانند، مالی، نیجر و سودان) به این نتیجه می‌رسد که درگیری‌ها در این مناطق به دلیل تلاش‌های امریکا و ناتو برای سرنگونی رژیم‌های سیاسی مشروع در آنجا و به منظور تبدیل آن‌ها به «مناطق نفوذ» و اشینگن به وجود آمد.

این واقعیت که در پس همه مشکلات دنیای امروزی، منافع سرمایه جهانی و امریکا به عنوان نوک اصلی آن برای رسیدن به اهداف خود قرار دارد، بر کسی پوشیده نیست. و حتی این واقعیت که ساکس جرأت کرد چنین اتهاماتی را از تریبون شورای امنیت سازمان ملل متحد بر زبان آورد، وقایع اتفاقیه را به یک شور و غلغله تبدیل نمی‌کند. این کافی نیست که چشمان مردم جهان را باز کنیم و هر چیزی را به نام خودش بنامیم. واقعاً کافی نیست. بلکه لازم است دستورالعمل‌های مؤثر برای درمان بیماری قدرت مطلق غرب جمعی که مدت‌هاست دندان همه را در معرض خطر قرار داده، پیدا کنیم. و این دقیقاً همان نکته است که جفری ساکس با مشکلات زیادی روبه رو است.

آیا با چنین درخواست‌ها از اوکراین و غرب، منافع امنیتی موجه روسیه واقعاً هم نادیده گرفته نمی‌شود؟ با در نظر گرفتن ورود بعدی اوکراین به اتحادیه اروپا، مشروط بر این که سیاست چندجانبه آن و تعامل اقتصادی با روسیه حفظ شود، دادن برخی تضمین‌های امنیتی از سوی سازمان ملل به کی‌یف پیشنهاد می‌شود (چگونه می‌توان در امتداد مرزهای اوکراین «کلاه آبی‌ها» را مستقر کرد؟). ظاهراً ساکس از دلیل شروع یورومیدان در سال ۲۰۱۴ و از آغاز رویدادهای قبل از آن اطلاع ندارد.

اما ایده اقتصاددان برای بازگرداندن اسرائیل به مرزهای ۱۹۶۷ بر اساس قطعنامه سازمان ملل از همه مضحک‌تر است. بله، بله، چنین تقاضای قاطعانه، البته که از سوی تل ابیب، به ویژه در شرایط کنونی پذیرفته نخواهد شد. به ویژه با توجه به حمایت کامل امریکا از عملیات نظامی اسرائیل در غزه و «افزایش فشار بین‌المللی در مورد جنگ» که نخست وزیر بنیامین نتانیاهو از آن غافل نیست. به گفته وی، اسرائیل اشتباه قراردادهای اسلو را تکرار نخواهد کرد؛ در پایان عملیات نظامی، حماس یا فتح در نوار غزه حکومت نخواهند کرد.

در این پس‌زمینه، پروژه‌های ساکس، به بیان ساده، بسیار افراطی به نظر می‌رسد. نه، مطمئناً می‌دانم که محل نشستن (موقعیت در سازمان ملل متحد)، دیدگاه شخص را معین می‌کند، اما در عمل نمی‌تواند چنین باشد.

چندی پیش، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، طی سخنانی خطاب به شرکت‌کنندگان در «قرانت پریماکوف»، خاطرنشان کرد: «الگوی جهانی‌سازی که عمدتاً توسط دولت‌های غربی شکل گرفت – طبیعتاً به نفع خودشان – سودمندی خود را از دست داده و با یک بحران عمیق مواجه شده است... با این حال، گروه معینی از کشورها، که به تسلط بر جهان عادت کرده‌اند، برای حفظ نفوذ رو به زوال خود، به هر کاری دست می‌زنند، آشکارا باج‌خواهی می‌کنند، به طرز قهرآمیز فشار می‌آورند و نظام حقوق بین‌الملل را با نوعی «نظم مبتنی بر قاعده» جایگزین می‌کنند». بنابراین، به گفته رئیس‌جمهور روسیه، ساده‌لوحانه است اگر انتظار داشته باشیم آن‌ها ناگهان همه چیز را درک کنند و از موقعیت ممتاز خود دست بکشند. آیا واقعاً ممکن است چنین حقایق بدیهی را که از دیر باز شکل گرفته، ساکس درک نکند؟

با جمع‌بندی آنچه گفته شد و با احترام به دانشمندان امریکائی، سعی می‌کنم باور کنم، که او واقعاً می‌خواهد این جهان را به مکانی بهتر تبدیل کند، همچنان باید بپذیریم که پیشنهادات ارائه شده توسط ساکس در یک مبارزه انتزاعی برای هر چیز خوب، علیه هر چیز بد، اساساً به یک مدینه فاضله شباهت دارد.

به هر حال، او نه تنها از جنایتکاران اصلی جهان (امریکا و غرب) می‌خواهد تاوان جنایات خود را بپردازند، بلکه، ساده‌لوحانه معتقد است که آن‌ها داوطلبانه این کار را خواهند کرد.

در واقع، ساکس به جز «بنیاد مبهم صلح و توسعه»، هیچ ابزار مؤثری برای اجرای ایده‌های خود نشان نداد. این، در مورد توقف درگیری‌های جهانی، منطقه‌ای یا محلی به همین اندازه نیز صدق می‌کند.

اما اشتباه اصلی او این است که دوباره تصمیمات سازمان ملل، سازمانی را که در طول سالیان موجودیت خود، اقتدار و اعتماد خود را در میان شرکت‌کنندگان در روابط بین‌الملل تا حد ممکن از دست داده، سرلوحه قرار داده است.

مدت‌هاست که نه تنها قدرت‌های بزرگ، حتی دولت‌های کم‌نفوذ نیز هیچ ارزشی به تصمیمات سازمان ملل متحد قائل نیستند. فقط کفایت به واکنش آن‌ها در رابطه با تصمیمات سازمان ملل در باره اسرائیل یا اوکراین توجه کنیم.

با این واقعیت موافق باشیم یا نه، ما هنوز در دنیای زندگی می‌کنیم که مشکلات را نمی‌توان تنها به کمک یکسری «کلمات دلسوزانه» حل و فصل کرد. بنابراین، باید یک «تفنگ» هم به آن‌ها اضافه کنیم. اگر غیر از این بود، ما مجبور نمی‌شدیم در ۲۴ فروردین ۲۰۲۲ عملیات نظامی ویژه را در اوکراین آغاز کنیم.

نازی‌ها، ناسیونالیست‌ها، جنایتکاران جنگی و دیگر «شیاطین» فقط در فیلم‌های مضحک خود حذف می‌شوند. در زندگی واقعی، تناقضات انباشته شده را نمی‌توان با اقناع یا قطعنامه‌های توخالی مجمع عمومی سازمان ملل متحد حل کرد. باید از این مبادی بدیهی حرکت کنیم.

برگرفته از: بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

۱۴ دی-جدی ۱۴۰۲